



مدرسه حقوق



دوره ۸ - شماره ۲۴ - تابستان ۱۴۰۴

رابطه خریدار و فروشنده در قرارداد پایه در اعتبار اسنادی با تاکید بر حقوق ایران
همایون مافی، رضا احسانی، احمدرضا امیری لاریجانی
بررسی تطبیقی جایگاه حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه
سیدفضل الله موسوی، امیرحسین عسگری
عدالت کودک محور و مسئولیت دولت: پیشگیری، اصلاح و بازپروری کودکان ناقض قوانین کیفری
محمد روشن، سمیه رنگین کمان، سیدمصطفی حسینی دستجردی
واکاوی چالش‌ها و الزامات حقوقی هوش مصنوعی در محیط‌های کاری: بررسی تأثیرات و راهکارهای اصلاحی
مریم برومند بازکیاگورابی، امیررضا محمودی
جامعه الگوریتمی و انطباق حقوقی: بازاندیشی در حقوق، حکمرانی و عدالت اجتماعی
خدیجه کریمی اصفهانی، مجاهد امیری
صدور اسناد هویتی در مورد اطفال متولد شده از روابط نامشروع و آثار آن در حقوق ایران
مرضیه کاظمی، مصطفی کافی
مسئولیت نقصان یافته در نظام کیفری ایران و انگلستان
ایرج مروتی، نفیسه عراقی، ماندانا جنگلی
نظارت بر رسانه با رویکرد فقهی و حقوقی
نرگس ابوالمعصومی
درآمدی بر جرایم مرتبط با رمزارزها؛ از تسهیلگری تا پیشگیری
محبوبه طالبی رستمی
اهمیت تفسیر قرارداد در حقوق مدنی ایران
نازنین بهرامی، مهناز سجادیان، حمیدرضا کناری زاده
تأثیر مداخلات امنیت گرایانه و عوام گرایانه سیاست جنایی بر شکل دهی گفتمان جرم شناختی نئوکلاسیک نوین
مسعود اکبری
مطالعه تطبیقی دارایی تجاری در حقوق ایران و فرانسه
سعید جوهر
بازدارندگی تبعید و نفی بلد در عصر ارتباطات
مهسا محمودی
جلوه های حقوق معنوی زندانیان در اسناد داخلی و بین المللی
امین رضا بهار فلاصری
مطالعه تطبیقی کاربرد اصول دادرسی مدنی در دادرسی کیفری با تأکید بر سازوکار ارجاع
علی اصغر عسگری
جرایم علیه اراضی دولتی (مطالعه مروری)
وحید کیومرثی
زیاله‌های قضایی در حقوق بین‌الملل: چالش‌های نظارتی و راهکارهای حقوقی
مهدی قره داغی
توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران، فقه امامیه و فقه اهل تسنن
داود سلمانپور، یعقوب طاهری، حسین زارعی
مسئولیت بین‌المللی کشورها در مبارزه با دوپینگ: تحلیل حقوقی و چالش‌های اجرایی
سپیده احمدیان فرد
سیاست کیفری در قبال جرائم نظامی در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا
امیرحسین ابوالحسنی، حامد زرین جوی الوار، محمدعلی جهانی
قواعد حاکم بر بازار مالی غیرمتشکل پولی در نظام حقوقی ایران
ایوب رحیمی
حفظ سرمایه اجتماعی در فرایند مبارزه با قاچاق کالا (مطالعه موردی بندر دلووار)
حسین اکبرپا
شرایط سلبی مسئولیت کیفری شخصی بر مبنای اساسنامه دیوان کیفری بین المللی
محمدرضا افراسیابی
تأثیر قوانین داخلی و التزام به معاهدات بین‌المللی در مبارزه با فساد بانکی
سیدبهمن اکبری
سازوکارهای گوناگون اعمال و اجرای حقوق بین‌الملل
مهدی رضایی اسرمی
بزه‌دیده شناسی سبز و بزه‌دیدگان غیرانسانی
امین حاجی وند، امیرحسین خراشادی زاده، محمدجواد میرزایی



Rules Governing the Unorganized Monetary Financial Market in the Iranian Legal System

قواعد حاکم بر بازار مالی غیرمتشکل پولی در نظام حقوقی ایران

Ayoub Rahimi

Master of Science in Private Law, Tabnak University, Lamerd, Iran

ایوب رحیمی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تابناک، لامرد، ایران

ayoub.rahimi@gmail.com

Abstract

The unorganized financial market, which includes non-bank credit institutions, Qarz-ul-Hasanah funds, exchange offices, and leasing, as one of the important components of the country's financial system, plays a key role in financing and monetary policies. Given the high volume of liquidity and the need to organize this market, the Central Bank is always trying to protect public deposits and establish stability and peace in the monetary and banking environment by conducting numerous inspections, designing supervisory systems, and holding periodic meetings. The purpose of this research is to identify and analyze the rules governing the unorganized monetary market and examine the challenges and problems in this area. Also, this research seeks to provide solutions to organize and improve the situation of this market. The results of this research, which was conducted using a descriptive-analytical research method, show that some of the existing problems are due to the lack of necessary infrastructure and the desire to expand institutions and funds. However the lack of transparency in laws and regulations and the weakness in monitoring the activities of these institutions have exacerbated existing problems.

Keywords: Unorganized Monetary Market, Governing Rules, Central Bank, Organization.

چکیده

بازار مالی غیرمتشکل که شامل مؤسسات اعتباری غیربانکی، صندوق های قرض الحسنه، صرافی ها و لیزینگ ها می باشد به عنوان یکی از اجزای مهم نظام مالی کشور، نقش کلیدی در تأمین مالی و سیاست های پولی ایفا می کند. با توجه به حجم بالای نقدینگی و نیاز به سامان دهی این بازار، بانک مرکزی همواره در تلاش است تا با انجام بازرسی های متعدد، طراحی سامانه های نظارتی و برگزاری نشست های ادواری، از سپرده های مردمی صیانت کرده و ثبات و آرامش را در فضای پولی و بانکی برقرار سازد. هدف این پژوهش، شناسایی و تحلیل قواعد حاکم بر بازار غیرمتشکل پولی و بررسی چالش ها و مشکلات موجود در این حوزه است. همچنین، این پژوهش به دنبال ارائه راهکارهایی برای سامان دهی و بهبود وضعیت این بازار می باشد. نتایج این پژوهش که با روش پژوهش توصیفی-تحلیلی انجام شده است نشان می دهند که بخشی از مشکلات موجود ناشی از عدم وجود زیرساخت های لازم و تمایل به گسترش مؤسسات و صندوق ها است. همچنین، عدم شفافیت در قوانین و مقررات و ضعف در نظارت بر فعالیت های این مؤسسات، به تشدید مشکلات موجود دامن زده است.

واژگان کلیدی: بازار غیرمتشکل پولی، قواعد حاکم، بانک مرکزی، سامان دهی.

ارجاع:

رحیمی، ایوب؛ (۱۴۰۴)، قواعد حاکم بر بازار مالی غیرمتشکل پولی در نظام حقوقی ایران، تمدن حقوقی، شماره ۲۴.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

بازارهای پولی از لحاظ تحت نظارت قرار گرفتن، سیاستگذاری پولی و سازمان یافتگی به دو بخش متشکل و غیرمتشکل تقسیم می‌شوند و آن بخش از بازار پول که تحت مقررات و ضوابط نظارتی مقامات پولی نظیر بانک مرکزی فعالیت می‌کنند، بازار متشکل یا رسمی و بخش‌هایی از بازار پول که خارج از ضوابط و مقررات مقامات پولی فعالیت دارند، بازارهای غیرمتشکل یا غیررسمی نامیده می‌شوند. این بازارها در پاسخ به نیازهایی ایجاد می‌شوند که بازار رسمی و متشکل پولی قادر به پاسخگویی به آن‌ها نیستند. امروزه بازار غیرمتشکل پولی جزء لاینفک ساختار مالی اکثر قریب به اتفاق کشورهای دنیا بوده و در هر دو نظام مالی بانک محور و بازارمحور، از رشد سریعتری نسبت به بانک‌ها برخوردارند. بازار متشکل پولی از ویژگی‌هایی برخوردار است که به‌رغم جذابیت‌های مالی بازار غیررسمی همچنان به جذب مشتری می‌پردازد. شاید بتوان آغاز شکل‌گیری بازار سرمایه غیرمتشکل را زمانی دانست که مردم عادی با مشارکت یکدیگر دست به فعالیت‌های اقتصادی می‌زدند.

در مقابل این بازار متشکل، بازار غیرمتشکل نیز حداقل برای سرمایه‌گذاران حرفه‌ای و نهادهای کماکان جذابیت خاص خود را داشته و مورد توجه است، ولی ابعاد حقوقی این بازار از نظر حدود نظارت و ماهیت قراردادی چندان روشن نیست. برابر مبانی فنی و نظری، بازار غیرمتشکل پولی در غالب مؤسسات مالی غیربانکی نهادهایی مالی هستند که مجوز فعالیت بانکی نداشته و نمی‌توانند از عموم سپرده دریافت کنند.

افتتاح حساب بانکی و سپرده‌پذیری از عموم که به ایجاد پول اعتباری می‌انجامد، مرز بانک و غیربانک را تعریف می‌کند. لذا طبق مبانی حرفه‌ای بانکداری، هر نهادی که از عموم سپرده می‌پذیرد کار بانکی انجام می‌دهد ولو آن که روی کاغذ مجوز فعالیت بانکی نداشته باشد. صندوق‌های قرض الحسنه و مؤسسات اعتباری دو رکن مهم و غالب بازار غیرمتشکل پولی اقتصاد ایران هستند. سومین رکن مهم بازار غیرمتشکل پولی، فعالان حوزه ارز هستند. چهارمین بخش این بازار غیرمتشکل پولی به صنعت لیزینگ اختصاص دارد.

حجم بازار غیرمتشکل پول در ایران بعد از انقلاب اسلامی گسترش پیدا کرده است و نقش نسبتاً مهمی را در تأمین مالی ایفاء می‌کند و تصور می‌رود که در آینده نه چندان نزدیک نیز در بخش مالی اقتصاد ایران حضور داشته باشد؛ بنابراین، شناسایی هر چه بیشتر این بازار و برخورد منطقی و قانونی با آن به مراتب بهتر از نادیده گرفتن آن است. زیرا عملیات مالی این بازار در حجم نقدینگی هدایت منابع مالی به بخش‌های گوناگون و سیاست‌های پولی تأثیر می‌گذارد.

در قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۳ اختیارات و ضمانت‌های اجرایی لازم برای صدور مجوز و نظارت بر انواع مؤسسه‌های مالی و اعتباری به بانک مرکزی داده شده است. اما در عمل به نظر می‌رسد بانک مرکزی هیچ تمایلی برای صدور مجوز در راستای توسعه این مؤسسه‌ها نداشته باشد، زیرا که نظارت بر مؤسسه‌های خرد متعدد و متنوع پولی بسیار مشکل است. همچنین، بانک مرکزی به طور ناخودآگاه تمایلی برای ایجاد رقیب برای نظام بانکی و زیرمجموعه‌های خود ندارد. ندادن مجوز بانک خصوصی و مؤسسه مالی و اعتباری به متقاضیان و صف طولانی انتظار برای این مؤسسه‌ها گواهی بر این مدعا است.

بنابراین، تدوین مجموعه قانونی جامع که جوابگوی نیازهای جدید در نظام بانکی کشور باشد، مهم‌ترین وظیفه دولت در حل چالش‌های نظارتی بانک مرکزی است. در نتیجه قوانین نظارتی موجود نیازمند اصلاح هستند. هر چند قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۳، ضوابط کلی مؤسسات پولی و اعتباری را روشن می‌کند، اما جهت تبیین حقوقی واضح، نیازمند ارائه راه‌حل‌هایی برای عناصر بازارهای غیرمتشکل پولی توسط قانون‌گذار می‌باشد. لذا جهت ترسیم نقشه راه مؤثر در بازارهای مالی غیرمتشکل و توجه به قواعد حقوقی حاکم بر آن از اهمیت به سزایی برخوردار می‌باشد که در پژوهش حاضر سعی بر آن است که به شرح و بررسی این موارد پرداخته شود.

با توجه به تأثیر و جایگاه ویژه پول در اقتصاد کشور، روشن نبودن ابعاد حقوقی این بازار از نظر حدود

نظارت و ماهیت قراردادی، شناخت صحیح و دقیق قوانین مرتبط با بازار غیرمتشکل پولی از اهمیت به سزایی برخوردار است. انجام این پژوهش از حیث شناخت کشگران بازارهای غیرمتشکل پولی و بررسی مفهوم و قواعد حاکم بر این بازار ضرورت دارد. پرسشی که پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به آن می‌باشد آن است که قواعد حاکم بر بازارهای مالی غیر متشکل در حقوق ایران چگونه است؟ در پاسخ می‌توان اظهار داشت که به نظر می‌رسد به نظر می‌رسد که سرآغاز تأمین مالی از طریق بازار سرمایه غیرمتشکل با استفاده از اصول و قواعد حاکم بر عقود معین و در چهارچوب بازار سرمایه قراردادمحور صورت گرفته است.

۱- مفاهیم

۱-۱- بازارهای مالی

بازار به‌طور سنتی به مکانی اطلاق می‌شد که خریداران و فروشندگان برای مبادله کالا و خدمات در آن گرد هم می‌آمدند. بازارهای مالی به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: بازارهای متشکل و بازارهای غیرمتشکل. بازارهای متشکل تحت نظارت منظم و مستمر نهادهای بالادستی مانند بانک مرکزی قرار دارند و به همین دلیل از اعتبار و امنیت بیشتری برخوردارند. این بازارها با رعایت مقررات و ضوابط مشخص، به فعالیت‌های مالی و پولی می‌پردازند (ناصری مجرد و رستمی، ۱۴۰۱، ۲۳۴).

۱-۲- بازارهای مالی متشکل

بازار متشکل پولی به مجموعه‌ای از نهادها و فعالیت‌های مالی اطلاق می‌شود که تحت نظارت و کنترل نهادهای قانونی و ناظر، به‌ویژه بانک مرکزی، فعالیت می‌کنند. این بازار به‌عنوان یک بستر رسمی و قانونی برای انجام معاملات مالی و پولی شناخته می‌شود و به دلیل ویژگی‌های خاص خود، توانسته است به جذب مشتریان و سرمایه‌گذاران ادامه دهد.

۱-۳- بازارهای مالی غیرمتشکل

بازار سرمایه غیرمتشکل به‌عنوان یک پدیده اقتصادی، سال‌ها است که در میان عموم مردم شناخته شده و رواج یافته است. باین‌حال، تصویب قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و ماده‌های مربوط به قانون مدنی به منظور تعیین چهارچوب‌های حقوقی دقیق برای مشارکت میان صاحبان کار و سرمایه، از جمله نخستین

اقداماتی است که قانون‌گذار برای سامان‌دهی این بازار انجام داده است. این اقدامات به نوعی آزادی مطلق فعالیت‌های غیرمتشکل را به رعایت اصول و قالب‌های قانونی محدود کرده است. متأسفانه، در ایران تعریف صریح و دقیقی از بازار غیرمتشکل پولی وجود ندارد. بانک مرکزی در اسناد و مراسلات خود، بازار غیرمتشکل پولی را به چهار بخش اصلی تقسیم کرده است: صندوق‌های قرض‌الحسنه، مؤسسات اعتباری^۱، صرافی‌ها و شرکت‌های لیزینگ. با این حال، در سامانه‌های اطلاع‌رسانی رسمی، تنها به معرفی دو بخش صندوق‌های قرض‌الحسنه و صرافی‌ها پرداخته شده است.

۲- تاریخچه و سیر تحول بازارهای مالی غیرمتشکل در ایران

بازارهای مالی غیرمتشکل در ایران به‌عنوان یک پدیده اقتصادی، سیر تحولی خاصی را طی کرده‌اند. آغاز شکل‌گیری این بازارها را می‌توان به زمانی نسبت داد که مردم عادی با مشارکت یکدیگر به فعالیت‌های اقتصادی می‌پرداختند. این روش که سال‌ها در میان مردم رواج داشته، به دلیل عدم دخالت مستقیم دولت و حکومت‌های مرکزی در روابط اقتصادی، به‌ویژه در بازار سرمایه، به کار گرفته می‌شد. استفاده از قالب‌های حقوقی عقود معین، به‌عنوان یک امر متداول، پاسخگوی بسیاری از نیازهای حقوقی مردم عادی بود.

در سال‌های اولیه، به دلیل حجم کم سرمایه‌گذاری‌ها و فقدان مفاهیم جدیدی مانند شخصیت حقوقی شرکت‌ها، مردم به راحتی می‌توانستند با یکدیگر همکاری کنند و به فعالیت‌های اقتصادی بپردازند. این نوع فعالیت‌ها به صورت غیررسمی و با استفاده از قراردادهای ساده انجام می‌شد و به نیازهای اقتصادی جامعه پاسخ می‌داد. با گذشت زمان و به‌ویژه در قرن اخیر، به‌ویژه با ظهور بازارهای سرمایه متشکل و سازمان‌یافته، شاهد دخالت دولت در روابط اقتصادی و تلاش برای سامان‌دهی حقوقی مشارکت اشخاص بوده‌ایم. نخستین آثار این دخالت به صورت ایجاد و سامان‌دهی بازار پول خود را نشان داد. پس از آن، با تصویب قوانین راهبردی مانند قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵، روند نظم‌بخشی به بازار سرمایه آغاز شد (احضاری و باقری، ۱۳۹۸، ۶۰).

پیش از وضع این قوانین، یا بازار سازمان‌یافته و متشکلی وجود نداشت و یا بازارهای خصوصی و عمومی غیرمتشکل اساساً بر اساس چهارچوب‌های حقوق خصوصی اداره می‌شدند و دولت ایران هیچ

۱- شامل شرکت‌های تعاونی اعتبار و مؤسسات مالی و اعتباری

دخالتی در این نوع بازارها نداشت. اما در سال‌های اخیر، هر دو نوع بازار سرمایه مشمول مقررات قانونی و تنظیمی شده‌اند، هرچند تمرکز بیشتر بر بازار متمرکز یعنی بورس بوده است. بازار سرمایه متشکل از طریق شرکت بورس اوراق بهادار تهران تجلی یافته است. درعین حال، بازار سرمایه غیرمتشکل که از مدت‌ها پیش وجود داشته، از حیث قراردادمحور بودن، از طریق عقود مانند عقد مضاربه، عقد مشارکت و... رواج داشته است. این بازار از بعد اوراق محوری، به صورت معامله آزادانه سهام شرکت‌ها در فضایی خارج از سیستم معاملاتی شرکت بورس اوراق بهادار ظهور پیدا کرده است.

۳- انواع بازارهای مالی غیرمتشکل

بازار پول به دو بخش متشکل و غیرمتشکل تقسیم می‌شود که هریک ویژگی‌ها و قواعد خاص خود را دارند. بازار متشکل پولی به حوزه‌ای اطلاق می‌شود که در آن تمامی عرضه‌کنندگان خدمات اعتباری با مجوز مقام ناظر^۲ و تحت نظارت این نهاد مشغول به کار هستند. در این بازار، تمامی فعالیت‌ها مستند به قوانین موضوعه و مجوزهای صادره از سوی مقام ناظر است. در مقابل، بازار غیرمتشکل پولی به حوزه‌ای اشاره دارد که در آن مؤسسات یا افراد بدون مجوز مقام ناظر و بدون هیچ‌گونه کنترل یا نظارتی به ارائه خدمات پولی می‌پردازند (ملاکریمی و زارعی، ۱۳۹۲، ۱۴۶).

قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۳، بدون ارائه تعریف خاصی از مفهوم بازار غیرمتشکل، در ماده اول خود به بیان احکام این بازار پرداخته و تصریح می‌کند: «اشتغال به عملیات بانکی توسط اشخاص حقیقی و یا حقوقی تحت هر عنوان و تأسیس و ثبت هر گونه تشکل برای انجام عملیات بانکی، بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ممنوع است». این قانون به وضوح معیار کسب مجوز از بانک مرکزی را به عنوان نهاد ناظر بازار پول ارائه می‌کند. به عبارت دیگر، هر شخص حقیقی یا حقوقی که به عملیات بانکی مبادرت ورزد و از بانک مرکزی مجوز دریافت کند، در زمره بازار متشکل پولی قرار می‌گیرد و فعالیت‌های او مجاز شمرده می‌شود. درحالی که اگر این فعالیت‌ها بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی انجام شود، تحت بازار غیرمتشکل پولی قرار می‌گیرد و غیرمجاز محسوب می‌شود.

نکته قابل توجه در این قانون، تعریف وسیع ارائه شده از عملیات بانکی است. این تعریف به گونه‌ای است که فعالیت‌ها و حوزه اختیارات بازار سرمایه را نادیده می‌گیرد و به «واسطه‌گری بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه و اعتبار به صورت دریافت انواع وجوه، سپرده، ودیعه و موارد مشابه تحت هر عنوان و اعطای وام، اعتبار و سایر تسهیلات و صدور کارت‌های الکترونیکی پرداخت و کارت‌های اعتباری» تعبیر می‌شود. اگر چه صدور کارت‌های الکترونیکی پرداخت و کارت‌های اعتباری به‌طور موضوعی از حوزه اقدامات بازار سرمایه خارج است، اما واسطه‌گری میان عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه و اعتبار، نقطه مشترک فعالیت بازار پول و بازار سرمایه است. هر دو نهاد به‌عنوان مرجع اساسی تأمین مالی و فراهم کردن وجوه مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی و شرکت‌های فعال در بازارهای واقعی و مالی تلقی می‌شوند. تنوع اوراق بهادار و ابزارهای مالی موجود در بازار سرمایه، شاهد مثالی بر تلقی نادرست این قانون از بازار غیرمشتکل پولی و تعرض به قلمرو بازار سرمایه غیرمشتکل است. همچنین، کاربرد عبارت کلی «موارد مشابه تحت هر عنوان» بر نادرست بودن تعریف مزبور صحه می‌گذارد (ابراهیمی، ۱۳۹۲، ۷۵).

شاید بتوان اشتباه در تبیین مفهوم عملیات بانکی را به فضای حاکم بر بازار سرمایه در زمان تصویب این قانون مرتبط کرد. این قانون حدود یک سال پیش از تصویب قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ تدوین شده و در زمان لازم‌الاجرا بودن قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵ تصویب گردیده است. به عبارت دیگر، ارائه مفهوم مضیق از بازار سرمایه در بندهای اول و دوم ماده ۱ قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵ منجر به تلقی نادرست از عملیات بانکی در قانون تنظیم بازار غیرمشتکل پولی شد. قانون‌گذار به این نتیجه رسید که هر آن چه خارج از مفهوم اوراق بهادار اعم از سهام شرکت‌های سهامی و اوراق قرضه باشد، ذیل عملیات بانکی قرار می‌گیرد.

این در حالی است که مفهوم بازار سرمایه در این قانون منحصر به بورس اوراق بهادار شده و در بند اول ماده ۱، به جای اشاره به وظایف و اختیارات گسترده بورس به‌عنوان تشکل خودانتظام، بورس اوراق بهادار را صرفاً به‌عنوان بازار خاصی که در آن دادوستد اوراق بهادار توسط کارگزاران بورس انجام می‌گیرد، معرفی کرده است. همچنین، طبق تعریف ارائه شده در قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵، دایره شمول اوراق بهادار به دو دسته سهام شرکت‌ها و اوراق قرضه محدود شده بود. این محدودیت در تعریف، به نوعی باعث شد که سایر ابزارهای مالی و اوراق بهادار که می‌توانستند در بازار سرمایه وجود داشته باشند،

نادیده گرفته شوند. این امر به قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۳ این امکان را داد که هر فعالیتی که خارج از این دو دسته قرار می‌گرفت، به‌عنوان عملیات بانکی تلقی شود.

۴- نحوه شکل‌گیری بازار غیرمتشکل پولی در ایران

بازار غیرمتشکل پولی در ایران شامل مؤسسات اعتباری، صرافی‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه است که به دلیل عدم نظارت کافی، با چالش‌های جدی مواجه است. این چالش‌ها شامل فعالیت‌های غیرمجاز، نوسانات شدید در نرخ‌های بهره و عدم شفافیت در عملیات مالی می‌باشند. در سال‌های اخیر، این بازار به‌طور قابل توجهی گسترش یافته و به یکی از چالش‌های اساسی نظام مالی کشور تبدیل شده است.

این نهادها به موازات شبکه بانکی کشور فعالیت می‌کنند و به دلیل وجود خلأهای قانونی، به شکل غیرمجاز و خارج از اراده بانک مرکزی به فعالیت‌های بانکی پرداخته‌اند. این وضعیت می‌تواند به بروز مشکلات جدی در نظام مالی منجر شود، از جمله افزایش ریسک‌های مالی و اقتصادی، کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی و ایجاد بحران‌های مالی. علاوه بر این، عدم نظارت کافی بر این مؤسسات می‌تواند به سوءاستفاده‌های مالی و اقتصادی منجر شود که در نهایت به آسیب به اقتصاد کلان کشور منجر خواهد شد. به همین دلیل، ضرورت ایجاد یک نهاد نظارتی قوی و کارآمد برای سامان‌دهی و کنترل فعالیت‌های این بازار احساس می‌شود تا از بروز بحران‌های احتمالی جلوگیری شود و امنیت مالی کشور حفظ گردد (سلطانی، ۱۳۹۵، ۶۲).

۴-۱- زمینه‌های شکل‌گیری بازارهای غیرمتشکل

بازار غیرمتشکل پولی در ایران به دلیل کمبود منابع مالی و عدم توسعه بازارهای متشکل پولی شکل گرفت. عواملی مانند فشارهای تورمی، نیاز به تسهیلات سریع و عدم دسترسی به خدمات بانکی رسمی موجب رشد این بازار شده‌اند. این نهادها به‌تدریج در اوایل دهه ۱۳۸۰ به وجود آمدند و به دلیل ارائه شرایط آسان‌تر و سودهای بالاتر، توانستند به سرعت منابع مالی قابل توجهی را جذب کنند. این شرایط به‌ویژه در مناطق روستایی و کم‌برخوردار بیشتر مشهود بود، جایی که افراد به دنبال تأمین مالی برای نیازهای روزمره خود بودند. در این بازار، وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان به راحتی و بدون نیاز به مستندات پیچیده، به تبادل مالی می‌پرداختند. این وضعیت باعث شد که بسیاری از افراد به سمت نهادهای غیرمجاز

روی آورند، زیرا این نهادها به سرعت و با شرایط انعطاف پذیرتر وام می‌دادند.

با توجه به این که شبکه بانکی رسمی قادر به پاسخگویی به نیازهای مالی جامعه نبود، بازار غیرمتشکل به عنوان یک راه حل موقت و غیررسمی برای تأمین مالی به وجود آمد. این روند به تدریج به گسترش این بازار و افزایش تعداد نهادهای غیرمجاز منجر شد که به دلیل عدم نظارت کافی، مشکلاتی را برای نظام مالی کشور ایجاد کردند. در نهایت، این وضعیت به بروز چالش‌های جدی در نظام مالی منجر شد و ضرورت سامان‌دهی و نظارت بر این بازار را بیشتر نمایان کرد.

۱-۴-۱- تصور اولیه و واقعیت‌های موجود

در ابتدا، تصور می‌شد که نهادهای غیرمتشکل پولی می‌توانند نقش مؤثری در تأمین مالی خرد ایفاء کنند و به بهبود وضعیت اقتصادی جامعه کمک کنند. این نهادها به دلیل ارائه تسهیلات آسان و سودهای بالاتر، به سرعت توانستند توجه مردم را جلب کنند و منابع مالی قابل توجهی را جذب نمایند. اما در عمل، این نهادها به دلیل اعطای سودهای نامتعارف و جذب منابع، به فعالیت‌های سوداگرانه و تخصیص منابع به افراد خاص روی آوردند. این رویکرد نه تنها به نفع جامعه نبود، بلکه به بروز بحران‌های مالی و ورشکستگی‌های متعدد در سطح جامعه منجر شد. فعالیت‌های غیرمسئولانه و عدم نظارت بر این نهادها باعث شد که بسیاری از سپرده‌گذاران سرمایه‌های خود را از دست بدهند و اعتماد عمومی به نظام مالی کاهش یابد. در نتیجه، این وضعیت به ایجاد ناپایداری‌های اقتصادی و اجتماعی دامن زد و ضرورت سامان‌دهی و نظارت بر بازار غیرمتشکل پولی را بیشتر نمایان کرد.

۱-۴-۲- نقش بوروکراسی و ناکارآمدی شبکه بانکی

یکی دیگر از عوامل مؤثر در شکل‌گیری بازار غیرمتشکل پولی، ناکافی بودن فعالیت شبکه بانکی در ارائه تسهیلات خرد و وجود بوروکراسی پیچیده در این سیستم بود. این شرایط باعث شد که افراد به سمت نهادهای غیرمجاز سوق پیدا کنند، زیرا این نهادها به راحتی و با شرایط آسان‌تری اقدام به جذب سپرده‌ها و اعطای تسهیلات می‌کردند. بوروکراسی پیچیده در نظام بانکی رسمی، شامل مراحل طولانی و نیاز به مدارک و مستندات فراوان، موجب می‌شد که بسیاری از افراد به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار، نتوانند به خدمات بانکی دسترسی پیدا کنند. در مقابل، نهادهای غیرمجاز با ارائه شرایط ساده‌تر و سریع‌تر، به نیازهای

مالی این افراد پاسخ می‌دادند و به این ترتیب، به سرعت محبوبیت پیدا کردند.

این وضعیت نه تنها به گسترش بازار غیرمستقل کمک کرد، بلکه به بروز مشکلاتی در نظام مالی کشور نیز منجر شد، زیرا این نهادها به دلیل عدم نظارت و کنترل، می‌توانستند به فعالیت‌های غیرقانونی و غیرمسئولانه بپردازند. در نهایت، این روند به کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی و بروز بحران‌های مالی منجر شد (سیفی پور، ۱۳۸۹، ۱۴).

۳-۴-۱- ورود نهادهای غیرمجاز به بازار

گسترش نهادهای پولی و اعتباری غیرمجاز در بازار پولی ایران به دلیل ناکافی بودن خدمات شبکه بانکی رسمی و بوروکراسی پیچیده در این سیستم است. این نهادها با ارائه شرایط آسان‌تر و سریع‌تر برای جذب سپرده‌ها و اعطای تسهیلات به سرعت محبوبیت پیدا کردند. برخی از این نهادها با اخذ مجوز از دستگاه‌های مختلف به فعالیت پرداختند، اما بسیاری دیگر بدون هیچ مجوزی و به‌طور غیرقانونی وارد بازار شدند. این وضعیت به این معنا بود که این نهادها تحت نظارت بانک مرکزی قرار نداشتند و به همین دلیل می‌توانستند به جذب سپرده‌های عمومی و اعطای تسهیلات بپردازند. این فعالیت‌ها نه تنها به گسترش بازار غیرمستقل کمک کرد، بلکه به بروز مشکلاتی در نظام مالی کشور نیز منجر شد. عدم نظارت و کنترل بر این نهادها باعث شد که برخی از آن‌ها به فعالیت‌های غیرقانونی و غیرمسئولانه بپردازند و در نتیجه، اعتماد عمومی به نظام بانکی کاهش یابد.

۴-۴-۱- بحران و ورشکستگی نهادهای غیرمجاز

عدم رعایت قوانین و مقررات بانک مرکزی و عدم وجود صلاحیت در نهادهای غیرمجاز، منجر به ورشکستگی برخی از این نهادها، مانند صندوق جی اصفهان شد. این ورشکستگی‌ها به دلیل فعالیت‌های غیرمسئولانه و عدم شفافیت در مدیریت مالی این نهادها به وقوع پیوست. ورشکستگی صندوق جی اصفهان و نهادهای مشابه، نه تنها به بحران‌های مالی در سطح جامعه منجر شد، بلکه اعتماد عمومی به نظام مالی کشور را نیز تحت تأثیر قرار داد. بسیاری از سپرده‌گذاران که سرمایه‌های خود را در این نهادها قرار داده بودند، با از دست دادن دارایی‌های خود، احساس ناامنی و بی‌اعتمادی نسبت به سیستم مالی کشور پیدا کردند. این وضعیت باعث شد که مردم به‌طور کلی نسبت به مؤسسات مالی و بانکی رسمی نیز بدبین

شوند و تمایل آن‌ها به سپرده‌گذاری در بانک‌ها کاهش یابد. در نتیجه، این بحران‌ها نه تنها به مشکلات اقتصادی و مالی در سطح جامعه دامن زد، بلکه ضرورت سامان‌دهی و نظارت بر بازار غیرمتشکل پولی را بیش از پیش نمایان کرد.

۵-۴-۱- واگذاری مسئولیت به بانک مرکزی

با بروز بحران‌های مالی و ورشکستگی نهادهای غیرمجاز، بانک مرکزی به عنوان نهاد مسئول انتظام بخشی به این نهادها شناخته شد. بر اساس قانون تنظیم بازار غیرمتشکل مصوب ۱۳۸۳، بانک مرکزی موظف به سامان‌دهی و نظارت بر فعالیت‌های این نهادها شد. این مسئولیت جدید برای بانک مرکزی در حالی به وجود آمد که این نهاد به عنوان وارث نهادهایی عمل می‌کرد که در ایجاد و توسعه آن‌ها نقشی نداشت. بسیاری از این نهادها پیش از تصویب قانون تنظیم بازار غیرمتشکل مصوب ۱۳۸۳ به فعالیت‌های خود ادامه داده بودند و به همین دلیل، بانک مرکزی با چالش‌های جدی در زمینه نظارت و سامان‌دهی مواجه شد. این نهادها به دلیل عدم رعایت قوانین و مقررات، به فعالیت‌های غیرقانونی و غیرمسئولانه پرداخته بودند و حالا بانک مرکزی باید با محدودیت‌های قانونی و منابع ناکافی، به سامان‌دهی آن‌ها پردازد. این وضعیت نه تنها به پیچیدگی فرایند نظارت و سامان‌دهی افزود، بلکه باعث شد که بانک مرکزی با انتقادات و فشارهای اجتماعی نیز مواجه شود. در نتیجه، ضرورت ایجاد یک چهارچوب قانونی و نظارتی قوی‌تر برای کنترل و مدیریت این نهادها بیش از پیش احساس شد تا از بروز بحران‌های مالی مشابه در آینده جلوگیری شود (سیفی پور، ۱۳۸۹، ۹۰).

در نهایت، شکل‌گیری بازار غیرمتشکل پولی در ایران نتیجه‌ای از نیازهای مالی جامعه، ناکارآمدی شبکه بانکی و عدم نظارت کافی بر نهادهای پولی و اعتباری است. برای سامان‌دهی این بازار و جلوگیری از بروز بحران‌های مالی، نیاز به تدوین و اجرای قوانین و مقررات مؤثر و همچنین تقویت نظارت بانک مرکزی بر فعالیت‌های این نهادها احساس می‌شود. این اقدامات می‌توانند به بهبود وضعیت بازار پولی و افزایش اعتماد عمومی به نظام مالی کشور کمک کنند.

۴-۲- عناصر تشکیل‌دهنده بازار غیرمتشکل پولی

عناصر تشکیل‌دهنده بازار غیرمتشکل پولی شامل مؤسسات و نهادهایی است که بدون مجوز از بانک

مرکزی به فعالیت‌های مالی و اعتباری می‌پردازند. این نهادها می‌توانند شامل موارد زیر باشند:

۱-۴-۲- صندوق‌های قرض الحسنه

صندوق‌های قرض الحسنه به عنوان نهادهایی مردمی و خودجوش در بستر فرهنگ اسلامی کشور شکل گرفته‌اند و هدف اصلی آن‌ها کمک به نیازمندان و ترویج فرهنگ قرض الحسنه است. این نهادها به دلیل نیت خیرخواهانه مؤسسان و ماهیت عقد قرض الحسنه، در زمره مؤسسات خیریه قرار می‌گیرند. فعالیت این صندوق‌ها بر اساس قبول سپرده‌های قرض الحسنه و اعطای تسهیلات به افراد نیازمند استوار است.

۲-۴-۲- مؤسسات اعتباری

مؤسسات اعتباری به عنوان زیرمجموعه‌ای از بازار غیرمتشکل پولی، نقش مهمی در تأمین نیازهای مالی و اعتباری اقشار مختلف جامعه ایفاء می‌کنند. این مؤسسات به دلیل تنوع و گستردگی فعالیت‌های خود، از اجزای متعددی تشکیل شده‌اند که وجود شباهت‌های اسمی در این اجزاء ممکن است موجب سردرگمی مخاطبان و سپرده‌گذاران شود. به همین دلیل، تبیین دقیق مفاهیمی مانند مؤسسه مالی و اعتباری، مؤسسه اعتباری و تعاونی اعتباری ضروری است.

مؤسسه اعتباری دارای دو مفهوم عام و خاص است. در مفهوم عام، این اصطلاح شامل بانک‌ها و مؤسسات غیربانکی فعال در زمینه پولی می‌شود. در مفهوم خاص، به مؤسسه‌ای اطلاق می‌شود که خدمات بانکی را ارائه می‌دهد، به جز خدمات مربوط به دسته‌چک و حساب جاری. در قوانین فعلی، مفهومی به نام «مؤسسه مالی و اعتباری» از اعتبار قانونی برخوردار نیست و به رسمیت شناخته نمی‌شود، اما «مؤسسه اعتباری» تعریف و پذیرفته شده است. مؤسسات اعتباری موجود غالباً به عنوان گسترش یافته صندوق‌های قرض الحسنه یا تعاونی‌های اعتباری عمل می‌کنند و تنها تعداد معدودی از آن‌ها از ابتدا به عنوان مؤسسه تأسیس شده‌اند (سلطانی، ۱۳۹۵، ۱۰۶).

۳-۴-۲- صرافی‌ها

صرافی‌ها در ایران نقش حیاتی در تسهیل معاملات ارزی و تأمین نیازهای ارزی تجار و افراد دارند. این مؤسسات با ارائه خدماتی مانند خرید و فروش ارز، حواله‌های ارزی و مشاوره مالی به بازرگانان و افراد در انجام معاملات ارزی کمک می‌کنند. با توجه به تحریم‌های بانکی علیه ایران، صرافی‌ها به عنوان جایگزینی برای نظام

بانکی در تأمین نیازهای ارزی عمل کرده‌اند. در گذشته، بخش عمده‌ای از عملیات ارزی مرتبط با تجارت خارجی از طریق بانک‌ها انجام می‌شد و نظارت بانک مرکزی بر این فعالیت‌ها به دلیل وجود ضوابط و شفافیت قواعد امکان‌پذیر بود. اما با تغییر شرایط و افزایش تحریم‌ها، صرافی‌ها به عنوان نهادهای مالی مستقل، توانسته‌اند به تسهیل معاملات ارزی و ارائه خدمات به تجار و افراد کمک کنند. این نهادها با ارائه خدمات متنوع، از جمله حواله‌های ارزی، خرید و فروش ارز و مشاوره در زمینه نرخ ارز به نیازهای مختلف مشتریان پاسخ می‌دهند و به این ترتیب، نقش کلیدی در بازار ارز ایفاء می‌کنند (پورمعصوم و قهرمانی، ۱۳۹۴، ۲۲).

۴-۲- لیزینگ

لیزینگ به عنوان یک ابزار مالی مدرن، به افراد و شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که بدون نیاز به خرید کامل یک دارایی، از آن بهره‌برداری کنند. این روش به‌ویژه در شرایطی که تأمین مالی برای خرید دارایی‌های بزرگ و گران‌قیمت دشوار است، می‌تواند بسیار مفید باشد. واژه لیزینگ در فرهنگ‌های لغت و اصطلاحات اقتصادی به معنای اجاره، اجاره دادن، اجاره کردن و اجاره اعتباری است. در واقع، لیزینگ نوع خاصی از قرارداد اجاره است که بین دو یا چند نفر، اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی، به منظور بهره‌برداری از منفعت کالای سرمایه‌ای یا مصرفی بادوام که قابلیت اجاره دارد، منعقد می‌شود. ویژگی اصلی این نوع قرارداد این است که حق مالکیت مورد اجاره در دست موجر باقی می‌ماند و حق استفاده از آن به مستأجر واگذار می‌شود. این ویژگی به مستأجر این امکان را می‌دهد که از دارایی استفاده کند بدون این که نیاز به پرداخت هزینه کامل خرید آن داشته باشد.

در ایران، لیزینگ در قالب قرارداد اجاره به شرط تملیک منعقد و به مرحله اجرا در می‌آید. در این نوع قرارداد، حق استفاده از دارایی ثابت برای مدت معینی به اجاره‌گیرنده^۳ واگذار می‌شود و در پایان مدت قرارداد، پس از پرداخت کل مبلغ اجاره، مالکیت دارایی به اجاره‌گیرنده منتقل می‌گردد. هنگام عقد قرارداد، باید مواردی مانند مدت قرارداد، مبلغ دقیق، تعداد اقساط اجاره و نحوه تعیین و محاسبه اصل و فرع قیمت باقیمانده مشخص شود. این شفافیت در قراردادها به جلوگیری از بروز اختلافات و سوء تفاهم‌ها کمک می‌کند. نکته مشترک در انواع معاملات لیزینگ، موضوع بازپرداخت اقساط است که باید در فواصل زمانی

معین و منظم به صورت ماهیانه، سه ماهه، شش ماهه یا سالیانه پرداخت گردد. این ساختار پرداخت به اجاره گیرنده این امکان را می دهد که هزینه ها را به صورت تدریجی و قابل مدیریت پرداخت کند.

۵- ویژگی های بازار غیرمتشکل پولی

بازار غیرمتشکل پولی به عنوان یک بخش مهم از نظام مالی، به دلیل ویژگی های خاص خود، نقش قابل توجهی در تأمین مالی و تسهیل دسترسی به منابع مالی ایفاء می کند. این بازار به ویژه در مناطق روستایی و در جوامع با فرهنگ های خاص، ویژگی های منحصر به فردی دارد که بر نحوه عملکرد آن تأثیر می گذارد.

یکی از ویژگی های بارز بازار غیرمتشکل پولی، تکیه بر روابط اجتماعی و اعتماد متقابل بین وام دهندگان و وام گیرندگان است. در جوامع روستایی، افراد معمولاً یکدیگر را می شناسند و این شناخت به ایجاد اعتماد کمک می کند. این اعتماد باعث می شود که وام دهندگان به راحتی وام هایی را بدون نیاز به وثیقه های سنگین یا مدارک پیچیده به وام گیرندگان اعطاء کنند. این ویژگی به ویژه در شرایطی که دسترسی به منابع مالی رسمی محدود است، اهمیت بیشتری پیدا می کند. علاوه بر این، بازار غیرمتشکل معمولاً به نیازهای خاص جامعه محلی پاسخ می دهد. به عنوان مثال، در مناطق روستایی، وام ها ممکن است برای تأمین هزینه های کشاورزی، خرید دام یا تأمین هزینه های درمانی اعطاء شوند. این نوع وام ها معمولاً با شرایط انعطاف پذیر و متناسب با نیازهای محلی طراحی می شوند که این امر به جذب بیشتر وام گیرندگان کمک می کند. همچنین، در بازار غیرمتشکل، فرایند اعطای وام معمولاً سریع و ساده است. وام گیرندگان می توانند به سرعت به منابع مالی دسترسی پیدا کنند و این امر به ویژه در شرایط اضطراری یا نیاز فوری به نقدینگی بسیار حائز اهمیت است. این سادگی و سرعت در فرایند اعطای وام، بازار غیرمتشکل را به گزینه ای جذاب برای افرادی تبدیل می کند که به دنبال تأمین مالی فوری هستند.

با این حال، بازار غیرمتشکل پولی نیز با چالش هایی مواجه است. عدم شفافیت در معاملات، نرخ های بهره بالا و احتمال بروز تخلفات می تواند به مشکلات جدی برای وام گیرندگان و وام دهندگان منجر شود. به همین دلیل، نیاز به نظارت و سامان دهی در این بازار احساس می شود تا از بروز مشکلات و حفظ حقوق و منافع تمامی ذینفعان اطمینان حاصل شود. در نهایت، بازار غیرمتشکل پولی به عنوان یک ابزار مهم در تأمین مالی و تسهیل دسترسی به منابع مالی، به ویژه در جوامع روستایی و در شرایط اقتصادی نامناسب،

عمل می‌کند. این بازار می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد کمک کند، اما نیاز به توجه و نظارت برای جلوگیری از بروز مشکلات و حفظ ثبات اقتصادی نیز ضروری است.

۵-۱- تکیه بر منابع داخلی

یکی از ویژگی‌های بارز بازار غیرمتشکل پولی، تکیه عرضه‌کنندگان تسهیلات بر منابع داخلی خود است. این ویژگی به چندین جنبه مهم اشاره دارد که در ادامه به تفصیل بررسی می‌شود:

در بازار غیرمتشکل، مؤسسات و افراد به‌طور عمده از منابع مالی داخلی خود برای تأمین وام‌ها استفاده می‌کنند. این منابع معمولاً از طریق جذب سپرده‌ها، سرمایه‌گذاری‌های شخصی و یا پس‌اندازهای خود تأمین می‌شود. به عبارت دیگر، این مؤسسات به جای اتکاء به منابع مالی خارجی یا وام‌های بانکی، بر روی سرمایه‌های خود و سپرده‌های مشتریان تکیه می‌کنند. تکیه بر منابع داخلی به این مؤسسات این امکان را می‌دهد که به سرعت و بدون نیاز به فرایندهای پیچیده بانکی، به متقاضیان وام ارائه دهند. در بازارهای رسمی، فرایند اعطای وام معمولاً شامل مراحل مختلفی از جمله بررسی اعتبار، ارزیابی وثیقه و تأیید نهایی است که می‌تواند زمان‌بر باشد. اما در بازار غیرمتشکل، به دلیل عدم وجود این مراحل پیچیده، وام‌دهندگان می‌توانند به سرعت به درخواست‌های وام پاسخ دهند. تکیه بر منابع داخلی همچنین به وام‌دهندگان این امکان را می‌دهد که شرایط وام را به صورت انعطاف‌پذیر تعیین کنند. آن‌ها می‌توانند بر اساس شناختی که از وام‌گیرندگان دارند، شرایط وام را تنظیم کنند و در صورت نیاز، به توافقات خاصی دست یابند. این انعطاف‌پذیری می‌تواند شامل تغییر در نرخ بهره، مدت زمان بازپرداخت و شرایط وثیقه باشد.

استفاده از منابع داخلی به مؤسسات غیرمتشکل پولی این امکان را می‌دهد که هزینه‌های اداری و مالی خود را کاهش دهند. به دلیل عدم نیاز به تأمین مالی از طریق بانک‌ها یا مؤسسات مالی بزرگ، این مؤسسات می‌توانند هزینه‌های مربوط به کارمزدها و بهره‌های بانکی را کاهش دهند و در نتیجه، نرخ‌های بهتری را به وام‌گیرندگان ارائه دهند.

تکیه بر منابع داخلی و جذب سپرده‌ها در بازار غیرمتشکل می‌تواند تأثیرات مثبتی بر جامعه و اقتصاد محلی داشته باشد. این مؤسسات معمولاً به نیازهای مالی افراد و کسب‌وکارهای محلی پاسخ می‌دهند و به این ترتیب، می‌توانند به توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق خود کمک کنند. با ارائه تسهیلات به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، این مؤسسات می‌توانند به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد در جامعه

کمک کنند. با این حال، تکیه بر منابع داخلی نیز می‌تواند چالش‌ها و ریسک‌هایی به همراه داشته باشد. به عنوان مثال، در شرایط اقتصادی نامساعد یا بحران‌های مالی، این مؤسسات ممکن است با کمبود منابع مالی مواجه شوند و نتوانند به تعهدات خود در قبال وام‌گیرندگان عمل کنند. همچنین، عدم نظارت و شفافیت در این بازارها می‌تواند به بروز تخلفات و سوءاستفاده‌ها منجر شود.

تکیه عرضه‌کنندگان تسهیلات در بازار غیرمتشکل پولی بر منابع داخلی خود، یکی از ویژگی‌های کلیدی این بازار است که به آن‌ها این امکان را می‌دهد که به سرعت و با انعطاف‌پذیری بیشتری به نیازهای مالی متقاضیان پاسخ دهند. این ویژگی می‌تواند به توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق محلی کمک کند، اما نیاز به نظارت و سامان‌دهی برای جلوگیری از بروز مشکلات و ریسک‌های مرتبط با این بازار نیز احساس می‌شود.

۵-۲- معاملات فردی و غیررسمی

در بازار غیرمتشکل پولی، معاملات عمدتاً به صورت فردی انجام می‌شود و این ویژگی تأثیرات قابل توجهی بر نحوه اعطای وام و شرایط آن دارد.

یکی از ویژگی‌های بارز بازار غیرمتشکل، اعطای وام بر اساس شناخت و آشنایی وام‌دهنده با متقاضی است. این شناخت می‌تواند شامل اطلاعاتی درباره وضعیت مالی، سابقه اعتباری و حتی روابط اجتماعی و خانوادگی باشد. به همین دلیل، وام‌دهندگان معمولاً به افرادی که آن‌ها را می‌شناسند و به آن‌ها اعتماد دارند، وام می‌دهند. این امر به وام‌گیرندگان این امکان را می‌دهد که به راحتی و بدون نیاز به مدارک پیچیده، وام دریافت کنند. در بازار غیرمتشکل، اعطای وام معمولاً با وثیقه کم یا حتی بدون وثیقه صورت می‌گیرد. این ویژگی به وام‌گیرندگان این امکان را می‌دهد که در شرایطی که ممکن است نتوانند وثیقه‌های سنگین ارائه دهند، به منابع مالی دسترسی پیدا کنند. به عنوان مثال، در بسیاری از موارد، وام‌دهندگان ممکن است تنها به یک ضمانت ساده یا قول وام‌گیرنده برای بازپرداخت وام اکتفاء کنند.

به دلیل عدم نیاز به مدارک پیچیده و فرایندهای اداری طولانی، وام‌گیرندگان می‌توانند به سرعت و به راحتی وام دریافت کنند. این سادگی در فرایند اعطای وام به‌ویژه در شرایط اضطراری یا نیاز فوری به نقدینگی، برای بسیاری از افراد و کسب‌وکارها بسیار حائز اهمیت است. به عنوان مثال، یک کشاورز ممکن است به سرعت به وام نیاز داشته باشد تا هزینه‌های فوری خود را تأمین کند و در این شرایط، بازار

غیرمشتک می‌تواند گزینه مناسبی باشد. نرخ وام‌ها در بازار غیرمشتک معمولاً بر اساس نوع وثیقه و شرایط خاص هر معامله متفاوت است. به عنوان مثال، اگر وام‌گیرنده وثیقه‌ای ارائه دهد، ممکن است نرخ بهره کمتری نسبت به وام‌هایی که بدون وثیقه اعطاء می‌شوند، پرداخت کند. همچنین، شرایط اقتصادی و وضعیت بازار نیز می‌تواند بر نرخ وام‌ها تأثیر بگذارد. در شرایطی که تقاضا برای وام بالا باشد، وام‌دهندگان ممکن است نرخ‌های بالاتری را تعیین کنند.

یکی از مزایای دیگر بازار غیرمشتک پولی، انعطاف‌پذیری در شرایط وام است. وام‌دهندگان می‌توانند شرایط وام را بر اساس نیازها و وضعیت وام‌گیرنده تنظیم کنند. این شرایط می‌تواند شامل مدت زمان بازپرداخت، نحوه پرداخت بهره و حتی امکان تمدید وام باشد. این انعطاف‌پذیری به وام‌گیرندگان این امکان را می‌دهد که شرایطی را انتخاب کنند که با وضعیت مالی آن‌ها سازگار باشد.

با وجود مزایای ذکر شده، اعطای وام در بازار غیرمشتک نیز با چالش‌ها و ریسک‌هایی همراه است. به عنوان مثال، عدم وجود وثیقه‌های معتبر می‌تواند به افزایش ریسک عدم بازپرداخت وام منجر شود. همچنین، عدم شفافیت در شرایط وام و نرخ‌های بهره می‌تواند به سوءاستفاده از وام‌گیرندگان منجر شود. در نتیجه، نیاز به نظارت و سامان‌دهی در این بازار احساس می‌شود تا از حقوق و منافع وام‌گیرندگان محافظت شود. در نهایت، معاملات فردی و اعطای وام در بازار غیرمشتک پولی به دلیل ویژگی‌های خاص خود، به وام‌گیرندگان این امکان را می‌دهد که به راحتی و بدون نیاز به مدارک پیچیده، به منابع مالی دسترسی پیدا کنند. این ویژگی‌ها می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد کمک کند، اما نیاز به نظارت و سامان‌دهی برای جلوگیری از بروز مشکلات و ریسک‌های مرتبط با این بازار نیز احساس می‌شود.

۵-۳- فعالیت‌های چندگانه و ترکیبی

افرادی که در این بازار فعالیت می‌کنند، معمولاً این کار را در کنار سایر فعالیت‌های اقتصادی خود مانند کشاورزی، بازرگانی و مغازه‌داری انجام می‌دهند. این ترکیب فعالیت‌ها به آن‌ها این امکان را می‌دهد که از منابع مالی خود به طور مؤثر استفاده کنند و در عین حال به نیازهای مالی جامعه پاسخ دهند. در بازار غیرمشتک، نیازی به برنامه‌ریزی قبلی یا آماده‌سازی پروژه برای دریافت وام نیست. وام‌دهندگان نیازی به اطلاع از موارد مصرف وام‌های پرداخت شده ندارند و وام‌گیرندگان نیز هدف اصلی خود از دریافت وام را پنهان نمی‌کنند. این عدم نیاز به شفافیت و برنامه‌ریزی، به ویژه در جوامع روستایی، به تسهیل فرایند اعطای وام کمک می‌کند.

۵-۴- قراردادهای شفاهی و انعطاف‌پذیری وثیقه

قراردادهای منعقدۀ برای اخذ وام در این بازار بیشتر به صورت شفاهی انجام می‌شود و گاهی اوقات سفته‌هایی از طرف وام‌گیرنده به عنوان ضمانت امضاء می‌شود. این انعطاف‌پذیری در وثیقه‌ها به وام‌دهندگان این امکان را می‌دهد که با توجه به شناختی که از وام‌گیرنده دارند، شرایط وام را تعیین کنند. وام‌ها در این بازار معمولاً برای مدت کوتاهی پرداخت می‌شوند و این مدت نیز انعطاف‌پذیر است. به عنوان مثال، در مناطق روستایی انتظار می‌رود که وام‌های با مبلغ کم در اولین برداشت پرداخت شوند، اما در زمان‌های خاص مانند خشکسالی، این موضوع به توافق دوجانبه وام‌دهنده و وام‌گیرنده بستگی دارد. این ویژگی به وام‌گیرندگان این امکان را می‌دهد که در شرایط خاص، با وام‌دهندگان خود به توافق برسند. گاهی اوقات، وام‌گیرندگان مایلند که بهره را به صورت کالا پرداخت کنند. این روش پرداخت می‌تواند به‌ویژه در جوامع روستایی که ممکن است دسترسی به پول نقد محدود باشد، مفید باشد.

بارزترین دلیل برای تمایل متقاضیان به شرکت در بازار غیرمتشکل پولی، سهولت دسترسی به منابع مورد نیاز در این بازار است. این ویژگی به‌ویژه برای افرادی که به خدمات مالی رسمی دسترسی ندارند، بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی آن‌ها کمک کند. بازار غیرمتشکل پولی با ویژگی‌های خاص خود، به عنوان یک ابزار مهم در تأمین مالی و تسهیل دسترسی به منابع مالی، به‌ویژه در جوامع روستایی و کم‌درآمد، عمل می‌کند. این بازار به دلیل انعطاف‌پذیری، عدم نیاز به مدارک پیچیده و سهولت دسترسی، می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد کمک کند.

نتیجه

بازار غیرمتشکل پولی، شامل مؤسسات اعتباری غیربانکی، صندوق‌های قرض‌الحسنه، صرافی‌ها و لیزینگ‌ها به دلیل عدم وجود زیرساخت‌های لازم و نظارت کافی، با چالش‌های متعددی مواجه است. این چالش‌ها شامل عدم شفافیت در فعالیت‌های مالی، فقدان قوانین جامع و کارآمد و تمایل به گسترش مؤسسات و صندوق‌ها بدون نظارت مناسب است. به‌ویژه، عدم وجود قوانین صریح و روشن و خلأهای قانونی در نظام پولی و بانکی ایران، به عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل ایجاد بازارهای غیرمتشکل پولی شناخته می‌شود. این وضعیت، به‌ویژه در زمینه عدم نظارت و پیگیری‌های دولتی، زمینه‌ساز رشد و گسترش

مؤسسات غیر متشکل شده است. علاوه بر این، بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر، به رغم داشتن اختیارات قانونی برای سامان‌دهی این بازار، به دلیل پیچیدگی‌های نظارتی و تمایل به جلوگیری از ایجاد رقیب برای نظام بانکی، تمایلی به صدور مجوز برای مؤسسات جدید ندارد. این وضعیت منجر به ایجاد صف‌های طولانی برای دریافت مجوز و در نتیجه، عدم توسعه مؤسسات مالی و اعتباری در کشور شده است.

با توجه به این چالش‌ها، تدوین یک مجموعه قانونی جامع و کارآمد که پاسخگوی نیازهای جدید در نظام بانکی کشور باشد، به عنوان مهم‌ترین وظیفه دولت و بانک مرکزی در حل چالش‌های نظارتی مطرح می‌شود. اصلاح قوانین نظارتی موجود و ارائه راهکارهای عملی برای سامان‌دهی بازار غیرمتشکل پولی، می‌تواند به بهبود وضعیت این بازار و افزایش شفافیت و اعتماد عمومی منجر شود. تقویت نقش نظارتی دولت و بانک مرکزی و اتخاذ تمهیدات و الزامات قانونی لازم جهت اعمال نظارت بر بازار غیرمتشکل پولی، می‌تواند به اصلاح و بازنگری در بازارهای پولی کشور کمک کند. از سوی دیگر، بازار غیرمتشکل پولی نه تنها در حجم نقدینگی و هدایت منابع مالی به بخش‌های مختلف تأثیرگذار است، بلکه می‌تواند به بهبود رفاه اجتماعی اقشار کم‌درآمد و کمک به چرخه تولید نیز کمک کند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- ابراهیمی، مریم، ۱۳۹۲، تبیین رژیم حقوقی حاکم بر معاملات سهام در بازار بورس، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- احضاری، عباس و باقری، محمود، ۱۳۹۸، ابعاد حقوقی بازار سرمایه غیرمتشکل با نگرش تطبیقی در حقوق ایالات متحده آمریکا، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۲۶.
- پورمعصوم، امیر و قهرمانی، مسعود، ۱۳۹۴، بررسی نقش نظارت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سامان‌دهی بازار غیرمتشکل پولی (مطالعه موردی: صرافی‌های استان آذربایجان غربی)، فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت، شماره ۲۰.

- سلطانی، محمد، ۱۳۹۵، **حقوق بازار سرمایه**، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- سیفی پور، رویا، ۱۳۸۹، بررسی تجربی تأثیر سطح توسعه مالی بر رشد اقتصادی، **فصلنامه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار**، شماره ۵.
- ملاکریمی، نعمت اله و زارعی، احسان اله، ۱۳۹۲، بررسی وضعیت تعاونی‌های اعتبار در جهان و مروری بر نحوه سامان‌دهی و نظارت بر تعاونی‌های اعتبار صنفی و آزاد در ایران، **فصلنامه روند پژوهش‌های اقتصادی**، شماره ۶۱.
- ناصری مجرد، اسماعیل و رستمی، ولی، ۱۴۰۱، چالش‌های حقوقی نظارت دولت بر بازار غیرمتشکل پولی در ایران، **ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، شماره ۸.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.24- Summer 2025

Buyer-Seller Relationship in the Underlying Contract in a Letter of Credit with Emphasis on Iranian law
Homayoun Mafi, Reza Ehsani, Ahmadsreza Amiri Larjani

A Comparative Study of Environmental Protection under International Human Rights Law and International Humanitarian Law
Sayyed Fazlollah Mousavi, Amir Hossein Asgari

Child-centered Justice and Government: Responsibility Prevention, Correction and Rehabilitation of Children Violate Criminal Laws
Mohammad Roshan, Somayeh Ranginkaman, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi

Legal Challenges and Requirements of Artificial Intelligence in Workplaces: Examining Impacts and Reform Solutions
Maryam Boroomand Bazkiagourabi, Amirreza Mahmoudi

Algorithmic Society and Legal Adaptation: Rethinking Rights, Governance and Social Justice
Khadije Karimi Sfahani, Mojahed Amiri

Issuing Identity Documents for Children Born from Illegitimate Relationships and its Effects on Iranian Law
Marzieh Kazemi, Mostafa Kafi

Diminished Liability in the Criminal Systems of Iran and England
Iraj Morvati, Nafiseh Araghi, Mandana Janghali

Monitoring the Media with a Jurisprudential and Legal Approach
Narges Abolmasoomi

Cryptocurrency-Related Crimes; from Facilitating the Commission of Crimes to Prevention
Mahbobeh Talebi Rostami

The Importance of Contract Interpretation in Iranian Civil Law
Nazanin Bahrami, Mahnaz Sajjadian, Hamid Reza Konari Zhadeh

Investigating the Effect of Security and Populist Oriented Criminal Policy Intervention on the Formation of Modern New
Classical Criminological Dialog
Masoud Akbari

A Comparative Study of Commercial Property in Iranian and French Law
Saeed Johar

Deterrence of Exile and Banishment in the Period of Communication
Mahsa Mahmoudi

Manifestations of the Moral Rights of Prisoners in Domestic and International Documents
Amin Reza Bahar Falamarzi

Convergent Application of Civil Procedure Principles in Criminal Proceedings Using with Referral Mechanism
Ali Asghar Asgari

A Review of Crimes Against Government Lands (Case Study)
Vahid Kioumars

Space Debris in International Law: Regulatory Challenges and Legal Solutions
Mahdi Gharedaqi

Insult to Sacred Places in Iranian Criminal Law, Imamiyya Jurisprudence and Sunni Jurisprudence
Davoud Salmanpour, Yaghoob Taheri, Hosein Zarei

International Responsibility of States in Combating Doping: Legal Analysis and Implementation Challenges
Sepideh Ahmadian Fard

Criminal Policy Against Military Crimes in the Criminal Law of Iran and the United States
Amirhasan Abolhasani, Hamed Zarinjuj Alvar, Mohammadali Jahani

Rules Governing the Unorganized Monetary Financial Market in the Iranian Legal System
Ayoub Rahimi

Maintaining Social Capital in the Process of Combating Smuggling (Delaware Port Case Study)
Hossein Akbarpa

Conditions for the Exclusion of Personal Criminal Liability Based on the Statute of the International Criminal Court
Mohammadreza Afrasiabi

The Impact of Domestic Laws and Commitment to International Treaties in Combating Banking Corruption
Sayyed Bahman Akbari

Various Means of Enforcement in International Law
Mahdi Rezaei Asrami

Green Victimology and Non-Human Victims
Amin Hajivand, Amirhossein Khorashadi Zadeh, Mohammad Javad Mirzayi